

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیستم، شماره اول، تابستان ۱۳۸۲ (پیاپی ۳۹)
(ویژه نامه علوم تربیتی)

موفقیت تحصیلی از دید فرهیختگان کشاورزی

دکتر غلامحسین زمانی*
مهندس محمد امیری اردکانی**
دانشگاه شیراز
جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویر احمد

چکیده

کارآیی بیرونی یا موفقیت شغلی فرهیختگان کشاورزی، همواره مورد نظر برنامه‌ریزان و مسئولان بوده است. در این خصوص پرسشی مطرح می‌شود که آیا موفقیت تحصیلی، در موفقیت شغلی افراد مؤثر است یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ این پرسش، چه عواملی موجب افزایش موفقیت تحصیلی دانشجویان می‌شود؟

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان کشاورزی می‌باشد. این پژوهش، به روش پیمایشی انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه، دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی، دست کم ۴۰ نفر از دانش‌آموختگان هر رشته یا طبقه، به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. ابزار سنجش، پرسشنامه بود که روایی صوری آن، توسط استادان صاحب نظر و پایایی آن، پس از انجام یک مطالعه راهنما و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها نشان داد که رشته تحصیلی دوره متوسطه، سهمیه ورود به دانشگاه، سال ورود و سال فراغت از دانشگاه، با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان همبستگی دارد. با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، سطح سواد پدر دانش‌آموختگان؛ میزان همکاری آن‌ها با تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی؛ میزان ارتباط آن‌ها با استادان دانشکده؛ اعتقاد آن‌ها به میزان مطلوبیت استادان مشاور، اعضای هیأت علمی و درس‌های اختصاصی کشاورزی و همچنین میزان رضامندی آن‌ها از دانشکده با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان همبستگی مثبت و معنی‌دار داشته است.

از آنجا که بر اساس یافته‌های این پژوهش، موفقیت شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی، با موفقیت تحصیلی آنها رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دارد، توصیه می‌شود که در گزینش و به کارگیری فرهیختگان کشاورزی، موفقیت دوران تحصیلی آنها مدنظر باشد و مؤسسات آموزشی نیز با توجه به اهمیت موفقیت تحصیلی، این امر را به دانشجویان تفهیم کنند و در تقویت و بهبود عوامل یاد شده و مؤثر در موفقیت تحصیلی توجه بیشتری مبذول دارند.

واژه‌های کلیدی: ۱. دانشجویان کشاورزی ۲. پیشرفت و عملکرد تحصیلی ۳. موفقیت شغلی ۴. رضایت شغلی ۵. تعهد سازمانی

۱. مقدمه

در روانشناسی، "موفقیت" به پاسخ یا عملی گفته می‌شود که به گونه‌ای شخص به هدف برسد، یا موفقیت، یک گام قطعی است که به جانب هدف برداشته می‌شود. ولی در تعلیم و تربیت و در موقعیت‌های تحصیلی، "موفقیت" به

* دانشیار دانشکده کشاورزی

** کارشناس ارشد

درجه‌ای از کارآیی اطلاق می‌شود که فرد، به فراخور توانایی هایش در پیشرفت های خود به رضایت شایسته (قاضی، ۱۹۲: ۱۳۷۳) در مقابل موفقیت تحصیلی، شکست تحصیلی به کار برده می‌شود. "شکست" عبارت از ناامیدی ها است؛ یعنی نرسیدن به امیدها و انتظارات یا دست نیافتن به سطح استانداردهای مورد نظر. شکست، یعنی نرسیدن به رؤیایا و انتظارات و برعکس، یعنی دچار شدن فرد به آنچه از آن هراس دارد (لیندر گرن، ۱۸۰: ۱۳۷۴). منظور از "شکست تحصیلی" نیز شکستی است که در اثر کوتاهی نظام آموزشی در دستیابی مؤثر به هدف ها و برنامه‌های آموزشی حاصل می‌شود؛ یعنی عدم موفقیت فراگیران، در دستیابی به کمترین معیارهایی که برای موفقیت آنان به وسیله نظام آموزشی در نظر گرفته شده است (امین فر، ۱۳۶۵).

در مقابل موفقیت تحصیلی، اغلب اصطلاح افت یا اتلاف^۱ مطرح می‌گردد. این اصطلاح در آموزش، از زبان اقتصاددانان گرفته شده و نظام آموزشی را به صنعتی تشبیه می‌کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه‌ای را که باید به محصول نهایی تبدیل می‌شد، تلف نموده است و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورده است. در اینجا می‌توان از اصطلاح "کوتاهی در تحصیل" یا "واماندگی از تحصیل" هم نام برد. در یک جمع‌بندی از تعریف ها و مفاهیم افت تحصیلی، می‌توان آن را، عدم موفقیت در تحصیل، وقوع ترک تحصیل و یا ترک تحصیل زودرس^۲، تکرار پایه درس ها، نسبت نامناسب میان سال های تحصیل فراگیر و سال های مقرر آموزشی، کیفیت نازل تحصیلات و آموخته‌های یادگیرنده در مقایسه با آنچه که باید باشد، کسب محفوظات به جای معلومات که در اندک زمانی به فراموشی سپرده می‌شود، نرسیدن نظام آموزشی به هدف های اصیل خود و حتی بیکاری دانش‌آموختگان یک مرکز آموزشی یا عدم تناسب تحصیلات آنان با نیازهای کاری و شغلی موجود در جامعه، نامید (امین فر، ۱۳۶۵؛ بخشی، ۱۳۶۹؛ میخبر، ۱۳۶۹؛ حسینی، ۱۳۵۴؛ پازوکی، ۱۳۷۱).

امروزه، سنجش موفقیت ها و افت‌های تحصیلی به دلیل بالا رفتن هزینه‌های مراکز آموزشی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و در دهه‌های اخیر، افزایش این هزینه‌ها شتاب فزاینده‌تری به خود گرفته است. به عنوان مثال، میزان تحصیل به قیمت جاری در دنیا، از ۵۱/۶ میلیارد دلار، در سال ۱۹۶۰، به ۴۷۴ میلیارد دلار، در سال ۱۹۷۸ رسیده است؛ یعنی تقریباً ۹/۲ بار افزایش یافته است. این افزایش را وقتی با تولید ناخالص ملی مقایسه کنیم، اهمیت آن را به خوبی در خواهیم یافت. چنانکه هزینه‌های عمومی آموزشی که در سال ۱۹۶۰، معادل ۳/۷ درصد تولید ناخالص ملی بوده؛ در سال ۱۹۷۸، به ۵/۶ درصد آن افزایش پیدا کرده است (یونسکو، ۱۸۲: ۱۳۶۹). سنجش موفقیت و افت تحصیلی در سطوح آموزش عالی، نه تنها از سطوح پایین‌تر تحصیل، کم اهمیت‌تر نیست؛ بلکه از بعضی جهات، حائز اهمیت بیشتری نیز می‌باشد. چنانکه در سال ۱۹۷۸، هزینه هر شاگرد ابتدایی معادل ۱۸ درصد سهم سرانه درآمد ناخالص ملی و برای آموزش عالی، معادل ۶۸/۲ درصد بوده است؛ به عبارت دیگر، مبلغی که برای تحصیلات یک ساله یک نفر دانشجو هزینه شده است، معادل هزینه ۴۰ نفر دانش‌آموز مدارس ابتدایی بوده است (همان: ۱۸۸).

۲. پیشینه علمی موضوع

محققان از سال ها قبل، بیان داشته‌اند که یکی از ضروریات در آموزش، تجزیه و تحلیل نمرات آزمون های تحصیلی، به عنوان شاخص های موفقیت فعلی و آینده دانشجویان می‌باشد. هنوز هم در سنجش موفقیت های تحصیلی، از معدل نمرات فراگیران به عنوان شاخص یا یکی از شاخص های موفقیت تحصیلی بهره می‌گیرند؛ ولی در نظر گرفتن معدل نمرات، به عنوان تنها شاخص تعیین موفقیت تحصیلی، ملاک مناسبی نیست (پورکاسظمی، ۱۳۷۵؛ دلاور، ۱۳۷۵)؛ زیرا در آن صورت، دانشجویان پنج سال گذشته کشور، در مقایسه با دانشجویان قبل از آن، بسیار موفق تر به نظر می‌رسند؛ چون در پنج سال گذشته، رشد بی‌سابقه‌ای در میانگین نمره‌های کلاسی در دانشگاه های کشور به چشم می‌خورد. در این مدت، میانگین نمره‌های کلاسی در مقطع کارشناسی از ۱۳/۷۳ به ۱۶/۶۸ و در مقطع کارشناسی ارشد از ۱۴/۴۵ به ۱۶/۵ افزایش پیدا کرده است (دلاور، ۱۳۷۵). بر این اساس، محققان از مجموعه‌ای از معیارها و ملاک های مکمل، در تعیین موفقیت تحصیلی دانشجویان بهره گرفته‌اند. به عنوان مثال، در بررسی عملکرد

تحصیلی دانشجویان، غیر از ملاک معدل، معیارهای دیگری همچون تعداد نیمسال های مشروط، تعداد واحدهای گذرانده و تعداد نیمسال مرخصی را نیز در نظر گرفته‌اند (نجاریان و همکاران، ۱۳۷۳).

قاضی (۱۳۷۳) نیز به نقل از درور، گود، کلاسمیر و گودین، کارد، مارجوری بنکس و همچنین ضمن بهره‌گیری از آزمون جمله‌های ناتمام راتر^۳ در مطالعه‌ای در شهرستان تهران، شاخص های دیگری، غیر از معدل را برای تعیین موفقیت تحصیلی نام برده است؛ از جمله، شرکت گسترده فراگیر در فعالیت های فوق برنامه مراکز آموزشی، نگرفتن نمرات ردی و تکرار نکردن درس ها، احساس موفقیت شخصی در مقایسه با سایر افراد گروه، شرکت کردن و کسب موفقیت در فعالیت های فوق برنامه، همانند ورزش و هنر؛ روابط عالی و مؤثر با استادان و دانشجویان و احساس غرور و رضایت در مرکز آموزشی.

امروزه تحقیقات، نقش عوامل مختلفی را بر موفقیت تحصیلی فراگیران به اثبات رسانده است (گارتون و همکاران، ۲۰۰۱). از آنجا که به جهت رعایت کوتاه نویسی، و تشریح نتایج تحقیقات، آوردن تمام مطالب در این مقاله امکان پذیر نیست، به مرور برخی از عوامل یاد شده به شرح زیر بسنده می‌شود:

- نگرش محیط خانواده (پافشاری خانواده بر پیشرفت تحصیلی فرزندان، راهنمایی های تحصیلی، تلاش های خانواده و عادت کاری خانواده) (نجاریان و همکاران، ۱۳۷۳؛ آگار، ۱۹۹۰).
- سواد پدر و مادر (گلاب‌زاده، ۱۳۶۹؛ خیر، ۱۳۶۵؛ گابارخانی، ۱۹۷۸).
- شغل پدر (خیر، ۱۳۶۵؛ ۶۷ - ۱۳۶۶).
- تعداد افراد خانواده (خیر، ۱۳۶۵؛ احمدی، ۱۳۷۴).
- طبقه اجتماعی خانواده (حسینی، ۱۳۵۲).
- وضعیت اقتصادی خانواده (اردبیلی، ۱۳۷۴؛ صفوی، ۱۳۶۵؛ احمدی، ۱۳۷۴).
- نگرش محیط مرکز آموزشی (مانند کنش بین دانشجو و استاد، انعطاف‌پذیری برنامه‌های دانشکده)، وجود تسهیلات و امکانات فرهنگی، تعداد اعضای هیأت علمی با درجه دکترا، درآمد دانشکده (کینگ و کوترلیک، ۱۹۹۵؛ اشمیت و همکاران، ۲۰۰۲).
- پیشینه تحصیلی فراگیر (معدل نمرات دوران متوسطه) (اردبیلی، ۱۳۷۴؛ پورکازمی، ۱۳۷۵؛ مجتهدی، ۱۳۷۳؛ احمدی، ۱۳۷۴؛ حسینی و رضویه، ۱۳۵۰؛ حسینی، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴؛ سازمان بازرسی آموزش عالی و پژوهش، ۱۳۵۰).
- نمره یا رتبه فراگیر در آزمون سراسری (حسینی و رضویه، ۱۳۵۰؛ حسینی، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴؛ سازمان بازرسی آموزش عالی و پژوهش، ۱۳۵۰).
- جنسیت فراگیر (تاکلی و معتمدی، ۱۳۶۹؛ احمدی، ۱۳۷۴؛ محمدپور، ۱۳۷۴؛ حسینی، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴؛ مجتهدی، ۱۳۷۳).
- هوش فراگیر (لفرانسوا، ۱۳۷۰؛ آناسازی، ۱۳۷۱).
- سهمیه ورود به دانشگاه (نجاریان و همکاران، ۱۳۷۳).
- علاقه و انگیزه فراگیر (سیف، ۱۳۷۳؛ لیندرگرن، ۱۳۷۴؛ حسینی ۱۳۵۴؛ مجتهدی، ۱۳۷۳).

۳. هدف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، تعیین عوامل مؤثر و وابسته با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز می‌باشد. هدف های ویژه این پژوهش عبارتند از:

۱. تعیین رابطه بین ویژگی های جمعیت‌شناسی و اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموختگان مورد مطالعه، با موفقیت تحصیلی آنان.

۲. تعیین رابطه میزان مطلوبیت ابزار و روش های آموزشی، درس های آرایه شده، استادان مشاور و اعضای هیأت علمی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان.

۳. تعیین رابطه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان با موفقیت شغلی و تعهد سازمانی آنان.

در راستای تحقق هدف های یاد شده پرسش های زیر مطرح و طرح تحقیق برای دستیابی به آن ها تدوین گردید:

۱. چه رابطه ای بین ویژگی های فردی دانشجویان (جنسیت، محل سکونت والدین، نوع دیپلم، معدل دیپلم و ...) با موفقیت تحصیلی دانش آموختگان کشاورزی وجود دارد؟
۲. چه عواملی و تا چه اندازه ای بر موفقیت تحصیلی دانش آموختگان کشاورزی، در دوران تحصیل تأثیر داشته است؟
۳. آیا موفقیت تحصیلی دانشجویان سهمیه مناطق یک، دو، سه و رزمندگان با یکدیگر متفاوت است؟
۴. آیا موفقیت تحصیلی دانشجویان ورودی سال های مختلف با یکدیگر متفاوت اند؟
۵. آیا موفقیت تحصیلی دانش آموختگانی که پس از دانش آموختگی مشغول کارهای وابسته با رشته، غیر وابسته با رشته تحصیلی، وابسته با کشاورزی، و غیر وابسته با کشاورزی شده اند، متفاوت است؟

۴. روش پژوهش

روش به کار گرفته شده، برای انجام این پژوهش، تحقیق پیمایشی^۴ می باشد. جمعیت مورد مطالعه، عبارت است از دانش آموختگان کلیه رشته های کشاورزی (۱۰۵۵ نفر) که در طی سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴، از دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، در مقطع کارشناسی دانش آموخته شده اند. به دلیل تنوع رشته های تحصیلی، اعضای جمعیت مورد مطالعه، از نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده^۵ استفاده شد. برای سهولت و عملی بودن تجزیه و تحلیل اطلاعات، دست کم ۴۰ نفر از دانش آموختگان هر رشته یا طبقه، به صورت تصادفی انتخاب شدند. به دلیل محدود بودن تعداد دانش آموختگان دختر رشته های کشاورزی در دانشکده و در دوره یاد شده، کل دانش آموختگان دختر که نشانی آن ها موجود بود (۳۰ نفر)، در نمونه اصلی انتخاب و وارد شدند. بدین ترتیب، اعضای نمونه آماری، از ده رشته کشاورزی شامل ۴۵۰ نفر می باشد.

ابزار جمع آوری اطلاعات این پژوهش، پرسشنامه بود برای اطمینان از روایی صوری پرسشنامه یاد شده، از روش نظر سنجی استادان صاحب نظر، استفاده شد. پایایی پرسشنامه نیز با انجام یک مطالعه راهنما^۶ با ۳۰ نفر از دانش آموختگان که خارج از اعضای نمونه بودند، با انجام آزمون آلفای کرونباخ^۷ مورد تأیید قرار گرفت. پارامتر آلفا (α) برای بخش های مختلف پرسشنامه بین ۰/۷۴ تا ۰/۹۵ بود.

پرسشنامه یاد شده بر اساس هدف های پژوهش، دارای قسمت های زیر و دربر دارنده ۸ تا ۱۹ پرسش با طیف لیکرت بود؛ از جمله:

بررسی موفقیت تحصیلی دانش آموختگان (معدل، تعداد واحدهای گذرانده، و ...)

بررسی موفقیت شغلی، بر اساس معیارهای مربوطه؛

بررسی تعهد سازمانی یا حرفه ای؛

بررسی میزان رضامندی دانش آموختگان از دانشکده؛

بررسی میزان مطلوبیت ابزار کمک آموزشی، درس های اصلی و تخصصی، روش های تدریس، استادان مشاور و اعضای هیأت علمی.

پس از اطمینان از روایی و پایایی پرسشنامه، ۴۵۰ پرسشنامه از طریق پست، برای جمعیت نمونه، ارسال شد. تعداد ۳۶۸ پرسشنامه تکمیل شده (۸۲٪)، توسط دانش آموختگان بازگشت داده شد.

داده پردازی و محاسبات این پژوهش، با استفاده از نرم افزار رایانه ای اس. پی. اس. اس^۸ انجام شده است. روش ها و تکنیک های آماری به کار گرفته شده در این پژوهش عبارتند از: آزمون کرونباخ، آزمون ضریب همبستگی پیرسون^۹، آزمون (تی - استیودنت)، و تحلیل واریانس یک طرفه.

۵. یافته‌ها و بحث

در پژوهش حاضر، برای سنجش میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان از معیارهای معدل دوره کارشناسی، تعداد درس‌های حذف شده و تکرار شده در طول تحصیل و تعداد نیمسال ثبت نامی در دانشکده، و همچنین از ۱۴ پرسش بسته که در قالب طیف لیکرت، موفقیت تحصیلی را می‌سنجید، بهره گرفته شده است. به عبارت دیگر، ارتباط متغیرها با هر یک از شاخص‌های یاد شده به صورت مستقل و سپس ترکیب آن ۴ شاخص (همراه با نتایج پرسش‌های بسته) به عنوان معیار موفقیت تحصیلی محاسبه شد.

در این قسمت، نتایج تحقیق به صورت مقایسه شاخص‌های موفقیت تحصیلی بین گروه‌های مختلف دانش‌آموختگان، و همبستگی برخی از متغیرها با موفقیت تحصیلی در جدول‌های مربوطه ارائه می‌گردد.

۵.۱. مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان دختر و پسر

یافته‌ها نشان داد که میانگین معدل دوره متوسطه دانش‌آموختگان دختر، ۱۶/۳۲ و میانگین معدل دوره متوسطه دانش‌آموختگان پسر، ۱۴/۶۵ بوده است و اختلاف معنی‌دار بین آنها وجود دارد. یافته‌های پژوهش در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز (بخشی چهارم، ۱۳۷۵) نیز نشان داده است که میانگین معدل دوره متوسطه دانشجویان دختر (۱۶/۵)، از میانگین معدل دوره متوسطه دانشجویان پسر (۱۵/۳۵)، بیشتر بوده است. تحقیقات دیگر نیز نشان داده‌اند که میانگین نمرات دختران، در سطح راهنمایی (تاکی و معتمدی، ۱۳۶۹ و احمدی، ۱۳۷۴) و متوسطه (محمدپور، ۱۳۷۴) بیشتر از پسران است.

اختلاف معدل دوره کارشناسی دانش‌آموختگان دختر و پسر، کمتر از اختلاف معدل دوره متوسطه آنهاست، زیرا میانگین معدل دوره کارشناسی دانش‌آموختگان دختر ۱۴/۶۱ و میانگین معدل کارشناسی دانش‌آموختگان پسر، ۱۴/۴۵ بوده است. بالاتر بودن نمرات دانشگاهی دختران نسبت به پسران با برخی تحقیقات دیگر (حسینی، ۱۳۵۳) هماهنگ است، ولی با یافته‌های برخی تحقیقات دیگر (حسینی، ۱۳۵۴) که نمرات دانشگاهی پسران را بیشتر از دختران گزارش کرده است، هماهنگ نیست.

در پژوهش حاضر، تعداد درس‌های تکرار شده (۸/۴۶) و حذف شده (۸/۶۵) توسط دانش‌آموختگان دختر، از تعداد درس‌های تکرار شده (۸/۵۲) و حذف شده (۸/۹۱) توسط دانش‌آموختگان پسر، کمتر بوده است؛ ولی تعداد نیمسال ثبت نام دانش‌آموختگان دختر در دانشکده (۸/۶۳)، از دانش‌آموختگان پسر (۸/۴۵) بیشتر بوده است. یافته‌های تحقیق (مجتهدی، ۱۳۷۳) نیز نشان داد که دانشجویان پسر در مقایسه با دانشجویان دختر، دارای نیمسال‌های مشروط^۱ و همچنین درس‌های حذف شده^۲ و تکرار درس^۳ بیشتری بوده‌اند.

هر چند یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص دانش‌آموختگان دختر و پسر که شرح آن گذشت، معنی‌دار نبود؛ ولی نشان داد که میانگین معدل دوره متوسطه دانش‌آموختگان دختر از دانش‌آموختگان پسر بیشتر بوده است، اما تعداد درس‌های حذف شده و تکرار شده توسط دانش‌آموختگان دختر از دانش‌آموختگان پسر کمتر بوده است. با در نظر گرفتن و احتساب معدل کارشناسی، تعداد درس‌های حذف شده و تکرار شده، تعداد نیمسال‌های ثبت نام و پاسخ‌هایی که دانش‌آموختگان به ۱۴ پرسش سنجش موفقیت تحصیلی داده بودند، مشخص شد که در مجموع، با در نظر گرفتن تمام موارد یاد شده، نه تنها موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان دختر از دانش‌آموختگان پسر، بیشتر نیست؛ بلکه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان دختر از دانش‌آموختگان پسر کمتر بوده است (جدول ۱). البته اختلاف اخیر از نظر آماری معنی‌دار نیست. یافته‌های پژوهش حاضر، نیز اعتقاد محققان در خصوص ضرورت در نظر گرفتن مجموعه‌ای از شاخص‌های تعیین کننده موفقیت، صحه می‌گذارد (پورکازمی، ۱۳۷۵؛ دلاور، ۱۳۷۵؛ قاضی، ۱۳۷۳؛ نجاریان و همکاران، ۱۳۷۳).

جدول ۱: مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان دختر و پسر (با استفاده از آزمون تی - استیودنت)

متغیر	آزمودنی (N)	میانگین	انحراف معیار (SD)	P
موفقیت تحصیلی	دختر (۱۷)	۱۳/۹۹	۸/۴۰	۰/۱۶۲
	پسر (۲۳۱)	۱۴/۱۹	۹/۴۰	

۲.۵. مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان بر اساس نوع رشته تحصیلی دوره متوسطه

مقایسه شاخص‌های موفقیت تحصیلی، میان دانش‌آموختگانی که از مراکز آموزشی متوسطه مختلف دیپلم گرفته و در دانشکده پذیرفته شده‌اند (جدول ۲)؛ نشان می‌دهد که دیپلم‌های غیرکشاورزی، با اختلاف معنی‌دار، از معدل کارشناسی بالاتر، در مقایسه با دیپلم‌های هنرستان‌های کشاورزی و غیرکشاورزی برخوردار بوده‌اند. این در حالی است که طبق جدول یاد شده تعداد درس‌های تکرار شده توسط دیپلم‌های هنرستان‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، در دوران دانشجویی، از تعداد درس‌های تکرار شده توسط دیپلم‌های دبیرستان‌های غیرکشاورزی کمتر است. بیشترین حذف درس در طول تحصیل در دانشکده، توسط دانش‌آموختگانی انجام شده است که دیپلم آنها از هنرستان کشاورزی بوده است. نکته جالبی که ضمن مقایسه ردیف‌های ۲ و ۳، در جدول ۲ آشکار می‌گردد، آن است که دانش‌آموختگانی که در طول تحصیل در دانشکده تعداد بیشتری از درس‌های خود را حذف نهایی کرده‌اند، درس‌های کمتری را تکرار کرده‌اند. به عنوان مثال، دیپلم‌های دبیرستان کشاورزی، کمترین حذف درس؛ اما بیشترین تکرار درس را در طول تحصیل در دانشکده داشته‌اند در حالی که دیپلم‌های هنرستان‌های کشاورزی، بیشترین حذف درس و کمترین تکرار درس را در طول تحصیل در دانشکده داشته‌اند.

جدول ۲: مقایسه برخی شاخص‌های موفقیت تحصیلی بین دانش‌آموختگان، براساس نوع دیپلم آنها (آزمون آنالیز واریانس یکطرفه)

متغیر	میانگین*			
	دبیرستان کشاورزی	دبیرستان غیرکشاورزی	هنرستان کشاورزی	هنرستان غیرکشاورزی
۱- معدل کارشناسی بر مبنای ۲۰	۱۴/۲۲ab	۱۴/۵۲ b	۱۳/۵۷ a	۱۳/۶۶a
۲- تعداد درس‌های تکرار شده در طول تحصیل در دانشکده	۹/۸۰b	۸/۵۹ B	۷/۰۰a	۷/۲۱a
۳- تعداد درس‌های حذف شده در طول نیمسال در دانشکده	۷/۳۳	۸/۹۰a	۱۰/۳۸	۸/۵۴a
۴- تعداد معدل ثبت نام در دانشکده	۸/۸۰a	۸/۴۵ a	۸/۵۷ a	۸/۶۴a

*در هر ردیف، میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ نیستند با حروف یکسان لاتین نمایش داده شده‌اند.

با در نظر گرفتن و احتساب شاخص‌های مختلف تعیین کننده موفقیت تحصیلی، نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که دیپلم‌های کشاورزی از موفقیت تحصیلی دانشگاهی برخوردار بوده‌اند. اختلاف موفقیت تحصیلی دیپلم‌های کشاورزی، با دیپلم‌های دبیرستان غیر کشاورزی و هنرستان‌های غیرکشاورزی معنی‌دار است.

جدول ۳: مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان، بر اساس نوع دیپلم
(آزمون آنالیز واریانس یکطرفه).

میانگین*				متغیر
دبیرستان کشاورزی	دبیرستان غیر کشاورزی	هنرستان کشاورزی	هنرستان غیر کشاورزی	
۱۵/۴۲ b	۱۴/۲۰ b	۱۴/۲۷ ab	۱۳/۱۵ a	موفقیت تحصیلی

* میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ نیستند با حروف یکسان لاتین نمایش داده شده‌اند.

مقایسه شاخص‌های تعیین‌کننده موفقیت تحصیلی دانشگاهی، بین دیپلم‌های کشاورزی (مرکب از دیپلم‌های دبیرستان‌ها و هنرستان‌های کشاورزی) و دیپلم‌های غیر کشاورزی (مرکب از دیپلم‌های دبیرستان‌ها و هنرستان‌های غیر کشاورزی)، نشان داد که میانگین معدل کارشناسی دیپلم‌های کشاورزی (۱۴/۳۲)، از معدل کارشناسی دیپلم‌های غیر کشاورزی (۱۳/۸۱) بیشتر است؛ ولی تعداد درس‌های دانشگاهی تکرار شده (۸/۴۲)، تعداد درس‌های دانشگاهی حذف شده (۸/۸۱) و تعداد نیمسال ثبت‌نامی در دانشکده (۸/۴۶) توسط دیپلم‌های کشاورزی، از تعداد درس‌های دانشگاهی تکرار شده (۹/۱۴)، تعداد درس‌های دانشگاهی حذف شده (۱۱/۸۶) و تعداد نیمسال ثبت‌نامی در دانشکده (۸/۶۶) توسط دیپلم‌های غیر کشاورزی، کمتر است؛ هر چند که هیچکدام از اختلافات اخیر، از نظر آماری معنی‌دار نشده‌اند؛ ولی با در نظر گرفتن و احتساب شاخص‌های مختلف تعیین‌کننده موفقیت تحصیلی، یافته‌ها نشان داد که موفقیت تحصیلی دانشگاهی دیپلم‌های کشاورزی (۱۵/۸)، از موفقیت تحصیلی دانشگاهی دیپلم‌های غیر کشاورزی (۱۴/۰۱)، با اختلاف معنی‌دار، بیشتر می‌باشد. موفق‌تر بودن دیپلم‌های کشاورزی در تحصیل دانشگاهی را می‌توان، به آشنایی و دانش قبلی آنها در خصوص درس‌ها و طبیعت رشته کشاورزی نسبت داد.

۳.۵. مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سهمیه‌های مختلف

مقایسه برخی شاخص‌های تعیین‌کننده موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سهمیه‌های مختلف (جدول ۴) نشان می‌دهد که میانگین معدل کارشناسی دانش‌آموختگانی که قبولی آنها در دانشگاه با سهمیه منطقه یک بوده است، با اختلاف معنی‌دار، بیشتر از میانگین معدل کارشناسی دانش‌آموختگان سهمیه‌های مناطق دو، سه و سهمیه رزمندگان می‌باشد.

با توجه به جدول ۴، دانش‌آموختگان سهمیه منطقه یک، کمترین تکرار و حذف درس، و دانش‌آموختگان سهمیه رزمندگان، بیشترین تکرار و حذف درس را داشته‌اند. اختلاف بین تعداد نیمسال ثبت‌نام دانش‌آموختگان سهمیه رزمندگان با دانش‌آموختگان سهمیه مناطق، به آن دلیل است که دانش‌آموختگان سهمیه رزمندگان برای گرفتن درس‌های معافی و نیمسال‌های تابستانی از محدودیت قانونی کمتری برخوردار بوده‌اند.

جدول ۴: مقایسه برخی شاخص‌های موفقیت تحصیلی بین دانش‌آموختگان، بر اساس نوع سهمیه قبولی آنها در دانشگاه (آزمون آنالیز واریانس یکطرفه)

میانگین*				متغیر
منطقه یک	منطقه دو	منطقه سه	رزمندگان	
۱۵/۷۱ b	۱۴/۶۲ a	۱۴/۲۰ a	۱۳/۶۶	۱- معدل کارشناسی بر مبنای ۲۰
۷/۵۳ c	۸/۰۹ Ab	۸/۷۴ Bc	۹/۲۷ a	۲- تعداد درس‌های تکرار شده در طول تحصیل در دانشکده
۸/۰۲ b	۸/۳۷ b	۹/۳۲ a	۹/۳۶ a	۳- تعداد درس‌های حذف شده در طول تحصیل در دانشکده
۸/۲۲ a	۸/۵۲ b	۸/۶۷ B	۸/۳۹ ab	۴- تعداد معدل ثبت نام در دانشکده

* در هر ردیف، میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ نیستند با حروف یکسان لاتین نمایش داده شده‌اند.

توجه: به دلیل محدود بودن تعداد دانش‌آموختگان دیگر سهمیه‌ها، امکان مقایسه بین آنها فراهم نشد.

با در نظر گرفتن و احتساب شاخص‌های تعیین کننده موفقیت تحصیلی، یافته‌ها (جدول ۵) نشان می‌دهد که موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سهمیه منطقه یک، با اختلاف معنی‌دار، از موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سهمیه‌های مناطق دو، سه و سهمیه رزمندگان بیشتر است. موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان مناطق دو نیز با اختلاف معنی‌دار، از موفقیت تحصیلی سهمیه رزمندگان بیشتر است.

جدول ۵: مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان، بر اساس نوع سهمیه قبولی آنها در دانشگاه (آزمون آنالیز واریانس یک طرفه)

میانگین *				متغیر
رزمندگان	منطقه سه	منطقه دو	منطقه یک	
۱۳/۵۳ a	۱۳/۷۶ ab	۱۴/۱۹ b	۱۴/۸۱	موفقیت تحصیلی

* میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۵٪ نیستند با حروف یکسان لاتین نمایش داده شده‌اند.

توجه: به علت محدود بودن تعداد اعضای سهمیه‌های دیگر، امکان انجام مقایسه بین آنها فراهم نشد.

۴.۵. مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان ورودی سال‌های مختلف

مقایسه شاخص‌های تعیین کننده موفقیت تحصیلی در بین دانش‌آموختگانی که طی سال‌های ۱۳۶۶ لغایت ۱۳۷۰ به دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز راه یافته‌اند (جدول ۶)، نشان می‌دهد که بالاترین میانگین معدل کارشناسی، مربوط به دانش‌آموختگان ورودی سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۰ و کمترین آن متعلق به دانش‌آموختگان ورودی ۱۳۶۷ بوده است.

جدول ۶: مقایسه برخی شاخص‌های موفقیت تحصیلی بین دانش‌آموختگان، بر اساس سال ورود آنها به دانشکده (آزمون آنالیز واریانس یک طرفه)

میانگین *					متغیر
۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	
۱۵/۰۶ad	۱۴/۷۸ac	۱۴/۶۴ab	۱۴/۳۸bc	۱۵/۰۶d	۱- معدل کارشناسی بر مبنای ۲۰
۸/۹۸ab	۸/۳۷Acd	۹/۶۷a	۸/۴۴bcd	۷/۷۹d	۲- تعداد درس‌های تکرار شده در طول تحصیل در دانشکده
۹/۰۸a	۸/۵۳a	۹/۲۰a	۸/۷۴a	۹/۰۰a	۳- تعداد درس‌های حذف شده در طول تحصیل در دانشکده
۸/۰۰	۸/۴۶ a	۸/۴۲ a	۸/۵۴ a	۸/۷۳ a	۴- تعداد نیمسال ثبت‌نامی در دانشکده

* در هر ردیف، میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۵٪ نیستند با حروف مشترک لاتین نمایش داده شده‌اند.

جدول یاد شده همچنین نشان می‌دهد که نوعی تورم در معدل کارشناسی دانش‌آموختگان ورودی ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰، مشاهده می‌گردد. البته تورم نمره آن‌ها مربوط به معدل کارشناسی دانشجویان یا دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز نیست، بلکه نتیجه تحقیقات دیگر نیز نشان می‌دهد که طی چند ساله اخیر، رشد بی‌سابقه‌ای در میانگین نمرات دانشجویان دانشگاه‌های کشور به چشم می‌خورد (دلاور، ۱۳۷۵). در این مدت، میانگین نمره‌های کلاسی در مقطع کارشناسی، از ۱۳/۷۳ به ۱۶/۶۸ و در مقطع کارشناسی ارشد از ۱۴/۴۵ به ۱۶/۵ افزایش پیدا کرده است (دلاور، ۱۳۷۵).

با در نظر گرفتن و احتساب شاخص‌های مختلف تعیین کننده موفقیت تحصیلی، یافته‌ها (جدول ۷) نشان می‌دهد که بالاترین میانگین نمره موفقیت تحصیلی، متعلق به دانش‌آموختگان ورودی ۱۳۷۰ می‌باشد و اختلاف میانگین نمره موفقیت تحصیلی آن‌ها با دانش‌آموختگان ورودی سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ معنی‌دار است. در ضمن دانش‌آموختگان ورودی ۱۳۷۰، طبق جدول ۶، از میانگین معدل کارشناسی بیشتری در مقایسه با دانش‌آموختگان ورودی سال‌های

۱۳۶۷ لغایت ۱۳۶۹، تعداد نیمسال کمتری در دانشکده ثبت نام کرده‌اند. به عبارت دیگر، دانش‌آموختگان ورودی ۱۳۷۰ در مقایسه با دانش‌آموختگان ورودی سال‌های قبل از خود، سریعتر (در هشت نیمسال) دانش آموخته شده‌اند.

جدول ۷: مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان بر اساس سال ورود آنها به دانشکده

(آزمون آنالیز واریانس یکطرفه)

میانگین*					متغیر	موفقیت تحصیلی
۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶		
۱۴/۸۶ a	۱۴/۱۹ab	۱۴/۶۰a	۱۴/۸۵b	۱۴/۸۵ b		

* در هر ردیف، میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ نیستند با حروف یکسان لاتین نمایش داده شده‌اند.

جدول ۸: مقایسه برخی شاخص‌های موفقیت تحصیلی، بین دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴

(آزمون آنالیز واریانس یکطرفه)

میانگین*					متغیر	
۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰		
۱۴/۹۱a	۱۴/۸۸a	۱۴/۳۳b	۱۴/۳۵b	۱۴/۲۴b		۱- معدل کارشناسی بر مبنای ۲۰
۸/۸۱a	۸/۴۷ a	۸/۶۲a	۸/۵۲a	۸/۲۵ a		۲- تعداد درس‌های تکرار شده در طول تحصیل در دانشکده
۸/۸۸ abc	۹/۴۶ abc	۸/۷۴b	۸/۵۸b	۹/۲۹a		۳- تعداد درس‌های حذف شده در طول تحصیل در دانشکده
۸/۱۸ c	۸/۴۶ a	۸/۶۳ B	۸/۴۸ abc	۸/۵۴ abc		۴- تعداد نیمسال ثبت‌نامی در دانشکده

* در هر ردیف، میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ نیستند با حروف یکسان لاتین نمایش داده شده‌اند.

جدول ۹: مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴

(آزمون آنالیز واریانس یک طرفه)

میانگین*					متغیر	موفقیت تحصیلی
۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰		
۱۴/۵۷ c	۱۴/۲۶ abc	۱۴/۲۵ Abc	۱۴/۰۱ b	۱۴/۱۲ abc		

* میانگین‌هایی که دارای اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ نیستند با حروف یکسان لاتین نمایش داده شده‌اند.

۵. ۵. مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سال‌های مختلف

مقایسه برخی شاخص‌های تعیین کننده موفقیت تحصیلی بین دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۴ (جدول ۸)، نشان می‌دهد که میانگین معدل کارشناسی دانش‌آموختگان، از سال ۱۳۷۰ به بعد، افزایش یافته و در سال ۱۳۷۴ به ۱۴/۹۱ رسیده است. این امر مؤید نظر دیگری است که طی مدت مشابه، میانگین نمره‌های کلاسی دانشگاه‌های کشور در مقطع کارشناسی از ۱۳/۷۳ به ۱۶/۶۸ افزایش پیدا کرده است (دلور، ۱۳۷۳).

بنابراین، حتی بالاترین میانگین معدل کارشناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز که مربوط به دانش‌آموختگان ۱۳۷۴ آن دانشکده بوده است، به میزان قابل توجهی از میانگین معدل دانشگاه‌های کشور کمتر است. همان گونه که در جدول مشاهده می‌شود، میانگین معدل کارشناسی دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، با اختلاف معنی‌دار، از میانگین معدل کارشناسی دانش‌آموختگان ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ بیشتر است.

اختلاف معنی‌دار، بین تعداد درس های تکرار شده و حذف شده توسط دانش‌آموختگان سال ها، تنها مربوط به دانش‌آموختگان ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲ می‌باشد و تعداد درس های دانش‌آموختگان ۱۳۷۰، از دانش‌آموختگان ۱۳۷۲، با اختلاف معنی‌دار، بیشتر بوده است. جدول ۸ همچنین نشان می‌دهد که میانگین تعداد نیمسال ثبت‌نامی در دانشکده کشاورزی، از دانش‌آموختگان سال ۱۳۷۰ به بعد، کاهش یافته و در دانش‌آموختگان سال ۱۳۷۴ به ۸/۱۸ رسیده است. با احتساب شاخص‌های تعیین کننده موفقیت تحصیلی، یافته‌ها (جدول ۹) نشان می‌دهد که موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان از سال ۱۳۷۰ به بعد، افزایش یافته و در سال ۱۳۷۴، به ۱۴/۵۷ رسیده است. تنها اختلاف معنی‌دار بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۱ می‌باشد.

۵.۶. مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان بر اساس "وابسته" یا "غیروابسته" بودن شغل آن ها با کشاورزی و رشته تحصیلی

جدول ۱۰ نشان می‌دهد، دانش‌آموختگانی که در مشاغل وابسته به کشاورزی و وابسته به رشته تحصیلی دانشگاهی خود، به کار مشغول شده‌اند، با اختلاف معنی‌دار، از موفقیت تحصیلی دانشگاهی بیشتری در مقایسه با دانش‌آموختگانی که در مشاغل غیروابسته با کشاورزی و غیروابسته با رشته تحصیلی خود، به کار اشتغال یافته‌اند، برخوردار بوده‌اند. شاید یکی از دلایل، آزمون ها و گزینش های علمی باشد که طبق معمول برای پذیرش دانش‌آموختگان از طرف صاحبان مشاغل به عمل می‌آید. بررسی پیشینه تحصیلی متقاضیان، مانند معدل، توسط صاحبان مشاغل، باعث شده است تا دانش‌آموختگانی که از دانشکده کشاورزی به مشاغل وابسته با کشاورزی راه یافته‌اند، از دانش‌آموختگانی باشند که از موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

جدول ۱۰: مقایسه موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان، بر اساس "وابسته" و یا "غیروابسته" بودن شغل آن ها

با امور کشاورزی و رشته تحصیلی (آزمون تی - استیودنت (T-test))

متغیر	آزمودنی ها (N)	میانگین	انحراف معیار (SD)	P
موفقیت تحصیلی و زمینه کشاورزی	شغل وابسته با کشاورزی (۱۴۱)	۱۴/۱۹	۹/۳۴	۰/۰۲
	شغل غیروابسته با کشاورزی (۳۶)	۱۳/۴۵	۱۰/۳۷	
موفقیت تحصیلی و رشته تحصیلی	شغل وابسته با رشته تحصیلی (۱۳۶)	۱۴/۲۵	۹/۱۸	۰/۰۰۱
	شغل غیروابسته با رشته تحصیلی (۴۱)	۱۳/۳۲	۹/۹۰	

۵.۷. مقایسه موفقیت تحصیلی بین گروه های دیگر دانش‌آموختگان

علاوه بر مقایسه‌هایی که شرح آن آمد، موفقیت تحصیلی گروه های دیگر دانش‌آموختگان نیز مورد مقایسه قرار گرفته است و یافته‌های حاصل به صورت مختصر عبارتند از:

- اختلاف معنی‌دار، بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان رشته‌های ده‌گانه کشاورزی، وجود نداشت.
- اختلاف معنی‌دار، بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان که در دوره دانشجویی تنها به تحصیل مشغول بوده‌اند با دانش‌آموختگانی که در کنار تحصیل به کار نیز اشتغال داشته‌اند، وجود نداشت. این در حالی است که نتایج تحقیقات نشان داده است که وضعیت اقتصادی خانواده، در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان مؤثر است - به خصوص در خانواده‌هایی که فراگیر مجبور باشد علاوه بر تحصیل به کار جنبی نیز بپردازد (اردبیلی، ۱۳۷۴؛ صفوی، ۱۳۵۶ و احمدی، ۱۳۷۴).

- اختلاف معنی‌دار، بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگانی که شغل پدرانشان کشاورزی بوده است با دانش‌آموختگانی که شغل پدرانشان غیرکشاورزی بوده است، وجود نداشت.

- بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگانی که مادرانشان شاغل بوده‌اند، با دانش‌آموختگانی که مادرانشان خانه‌دار بوده‌اند، اختلاف معنی‌دار وجود نداشت.

- دانش‌آموختگان شهری، با اختلاف معنی‌دار، از موفقیت تحصیلی بیشتری در مقایسه با دانش‌آموختگان روستایی برخوردار بوده‌اند. موفقیت تحصیلی بیشتر دانش‌آموختگان شهری را می‌توان به فراهم بودن امکانات تحصیلی بیشتر برای آنها در مقاطع تحصیلی پایین‌تر، نسبت داد.

- اختلاف معنی‌دار، بین موفقیت تحصیلی چهار گروه دانش‌آموختگانی که در بدو ورود به دانشکده؛ ۱. دارای کارت پایان خدمت بوده‌اند؛ ۲. معاف بوده‌اند؛ ۳. کسر خدمت داشته‌اند؛ ۴. مشمول بوده‌اند، وجود نداشت.

- اختلاف معنی‌دار، بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان مجرد، نامزد یا عقد کرده و متأهل وجود نداشت.

۸. ۵. همبستگی برخی متغیرها، با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان

هرچند بعضی از محققان (نجاریان، و همکاران، ۱۳۷۳) به روابط معنی‌دار، بین معدل دبیرستان و دانشگاه دست نیافته‌اند؛ ولی اعتقاد ما بر آن است که مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی، پیشینه تحصیلی دانشجویان و اعضای هیأت علمی هر مؤسسه می‌باشد (پورکاظمی، ۱۳۷۵). برخی دیگر از محققان به روابط مثبت و معنی‌دار میان معدل دوره متوسطه و معدل دانشگاه دست یافته‌اند (مجتهدی، ۱۳۷۳؛ احمدی، ۱۳۷۴؛ سازمان بازرسی آموزش عالی و پژوهش، ۱۳۵۰). یافته‌های پژوهش حاضر نیز همبستگی مثبت (۰/۴۶)، بین معدل دیپلم دانش‌آموختگان با معدل کارشناسی آن‌ها را به دست آورد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که هر چه پیشینه تحصیلی دانشجویان درخشان‌تر بوده و از معدل بالاتری برخوردار بوده‌اند، به همان نسبت واحدهای درسی خود را کمتر حذف یا تکرار کرده‌اند و تعداد نیمسال کمتری در دانشکده ثبت نام کرده‌اند. به عبارت دیگر، همبستگی بین معدل دیپلم دانش‌آموختگان با تکرار درس، حذف درس و تعداد نیمسال ثبت‌نامی آن‌ها در دانشکده، منفی بود. یافته‌های تحقیق مجتهدی (۱۳۷۳) نیز به رابطه منفی و معنی‌دار، بین معدل دیپلم دانشجویان، با تعداد حذف و تکرار درس دست یافته است.

بی شک علاوه بر معدل دیپلم، متغیرهای زیاد دیگری نیز با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان وابسته هستند که برخی از آن‌ها در جدول ۱۱ نشان داده شده‌اند. جدول یاد شده نشان می‌دهد که همبستگی منفی بین میزان مشکلات دوران دانشجویی دانش‌آموختگان و "اولویت انتخاب رشته آن‌ها" با موفقیت تحصیلی‌شان وجود دارد. و "کمک مالی خانواده به دانشجو" و فاصله محل سکونت خانواده از دانشکده، نیز با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان همبستگی منفی دارد.

سن دانش‌آموختگان نیز با موفقیت تحصیلی آن‌ها همبستگی منفی دارد. همبستگی بین سطح تحصیلات والدین دانش‌آموختگان، با موفقیت تحصیلی آنها، مثبت است. نتایج دیگر تحقیقات (گلاب‌زاده، ۱۳۶۹؛ خیر، ۱۳۶۵؛ گابارخانی، ۱۹۷۸) به همبستگی مثبت و معنی‌دار بین سطح تحصیلات والدین با موفقیت تحصیلی فرزندان، اشاره دارد. بین میزان همکاری دانش‌آموختگان با تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی، با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان، همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همبستگی اخیر اهمیت مشارکت و همکاری دانشجویان در تشکل‌ها و انجمن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد. نتایج تحقیقات دیگر نیز تأثیر تشکل‌های مراکز آموزشی را بر موفقیت تحصیلی، شغلی، مهارت رهبری، مسئولیت‌پذیری و ایجاد ارتباط بیشتر دانش‌آموختگان در موقعیت شغلی آینده را تأیید می‌کنند (مک‌گی و چک، ۱۹۹۰؛ هور و اسموند، ۱۹۹۵). یکی از دلایل تأثیر انجمن‌ها و فعالیت‌های دانشجویی بر پیشرفت‌های تحصیلی و شغلی آن‌ها است که اعضای دیگر گروه در این گونه تشکیلات منابع سودمندی برای کسب اطلاع درباره درس‌ها و فعالیت‌های آموزشی سودمند به شمار می‌روند و از آنان می‌توان درباره روند پیشرفت‌ها و اصطلاحات مربوط به بورس‌های تحصیلی، فرصت‌های کارآموزی و دورنمای شغلی و نظایر آن آگاهی‌های لازم را به دست آورد (لیندرگرن، ۱۳۷۴). لیندرگرن در جملات یاد شده اهمیت و نقش ارتباطات بین فردی را در موقعیت تحصیلی و شغلی مورد تأکید قرار داده است. در پژوهش حاضر (با توجه به جدول ۱۱) نیز نشان داده شده است که میزان ارتباط دانش‌آموختگان با استادان و دانشجویان در دوره دانشجویی، با موفقیت تحصیلی آنان همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد.

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معنی‌دار بین ارزیابی مثبت دانش‌آموختگان از میزان مطلوبیت درس‌های اختصاصی کشاورزی، با موفقیت تحصیلی آنها وجود دارد. میزان مطلوبیت استادان مشاور نیز با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان همبستگی مثبت و معنی‌دار داشته است و موضوع اخیر، اهمیت راهنمایی‌های تحصیلی توسط استادان مشاور را مورد تأکید قرار می‌دهد.

همبستگی بین متغیرهای موفقیت تحصیلی، شغلی و تعهد سازمانی نیز بررسی و مشخص شد که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان با موفقیت شغلی آن‌ها وجود دارد. همچنین همبستگی مثبت و معنی‌دار بین موفقیت شغلی دانش‌آموختگان با تعهد سازمانی یا حرفه‌ای ایشان، در موفقیت شغلی وجود دارد. هرچند همبستگی بین موفقیت تحصیلی و تعهد سازمانی دانش‌آموختگان مثبت است، ولی معنی‌دار نیست. با توجه به یافته‌های اخیر، باید تلاش کرد تا موفقیت تحصیلی دانشجویان را به روش‌های مختلف افزایش داد؛ چون در آن صورت دانش‌آموختگانی که از مراکز آموزشی وارد جامعه خواهند شد، از موفقیت شغلی و سرانجام از تعهد سازمانی بیشتری در موقعیت‌های شغلی برخوردار خواهند بود.

جدول ۱۱: همبستگی برخی ویژگی‌های دانش‌آموختگان، با موفقیت تحصیلی آن‌ها

میزان همبستگی r	ویژگی‌های دانش‌آموختگان
-.۱۲۷	سن
-.۱۴۰	فاصله محل سکونت خانواده از دانشکده
.۱۱۸	متوسط درآمد ماهیانه پدر
.۱۱۲	متوسط درآمد ماهیانه مادر
-.۱۱۶	متوسط کمک مالی ماهیانه خانواده به دانشجو در زمان دانشجویی
.۳۱	معدل دیپلم
-.۱۱۶	اولویت انتخاب رشته
.۱۲۰	متوسط مدت زمان مطالعه در شبانه روز در دوره دانشجویی
.۱۵۱**	سطح سواد پدر
.۱۲۱	سطح سواد مادر
.۱۵۰**	میزان همکاری با تشکل‌ها و انجمن‌ها، در زمان تحصیل
.۱۷۲*	میزان ارتباط با استادان و دانشجویان در دوره دانشجویی
-.۱۲۷	میزان مشکلات دوران دانشجویی
.۳۲	اعتقاد به میزان مطلوبیت ابزار کمک آموزشی دانشکده
.۱۴۱	اعتقاد به میزان مطلوبیت روش‌های تدریس رایج در دانشکده
.۱۰۶	اعتقاد به میزان مطلوبیت درس‌های اصلی کشاورزی
.۱۶۶*	اعتقاد به میزان مطلوبیت درس‌های اختصاصی کشاورزی
.۱۴۹**	اعتقاد به میزان مطلوبیت استادان مشاور
.۱۵۵**	اعتقاد به میزان مطلوبیت اعضای هیأت علمی
.۱۵۷**	میزان رضامندی از دانشکده

* $P < 0.01$

** $P < 0.05$

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معنی‌دار (با ضریب همبستگی بالا $r = ۰/۴۵$) میان موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان با موفقیت شغلی آن‌ها وجود دارد. بنابراین، با شناخت عوامل مؤثر و وابسته با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان و بهره‌گیری از آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، می‌توان به موفقیت شغلی دانش‌آموختگان نیز کمک نمود. در زیر برخی از نتایج این پژوهش پیرامون موفقیت تحصیلی مرور می‌گردد:

موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان روستایی، با اختلاف معنی‌دار، کمتر از دانش‌آموختگان شهری بوده است؛ باید روشی به کار گرفته شود تا دانشجویان روستایی با بهره‌گیری بیشتر از فرصت‌های تحصیلی مانند کلاس‌های تقویتی، گذراندن درس‌های پیش‌نیاز و امثال آن، موفقیت تحصیلی خود را افزایش دهند.

علیرغم تصور، دانش‌آموختگانی که در آغاز ورود به دانشکده متأهل بوده‌اند، در مقایسه با دیگر گروه‌ها (مجرد، نامزد یا عقد)، از نظر موفقیت تحصیلی، اختلاف معنی‌دار نداشت. بنابراین، نباید تأهل را مانع موفقیت تحصیلی دانست و نباید همه دانشجویان متأهل، افراد گرفتار، کم‌کار و ناموفق قلمداد شوند.

دانش‌آموختگانی که با دیپلم کشاورزی به دانشکده کشاورزی راه یافته بودند، در مقایسه با دیپلم‌های غیرکشاورزی از موفقیت تحصیلی بیشتری در دانشکده کشاورزی برخوردار بوده‌اند. موفقیت تحصیلی بیشتر دیپلم‌های کشاورزی را می‌توان به شناخت و تجربه قبلی ایشان درباره رشته‌های کشاورزی نسبت داد. با توجه به یافته‌های اخیر پیشنهاد می‌گردد که در صورت ممکن زمینه‌های جذب بیشتر دیپلم‌های کشاورزی فراهم گردد؛ زیرا با توجه به نتایج پژوهش، دانش‌آموختگان یاد شده علاوه بر آنکه از موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ در موقعیت‌های شغلی نیز موفق‌تر عمل نموده و از تعهد سازمانی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

از بین دانش‌آموختگان ورودی سال‌های مختلف، آنانی که در سال ۱۳۷۰، به دانشکده راه یافته بودند، از موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردار بودند. بررسی دلایل موفقیت تحصیلی گروه اخیر، نشان داد که معدل کارشناسی آن‌ها بیشتر و تعداد نیمسال ثبت‌نامی آن‌ها در دانشکده کمتر از دانش‌آموختگان ورودی سال‌های دیگر بوده است. پس این دو، معیار خوبی برای احتمال موفقیت شغلی محسوب می‌شوند.

دانش‌آموختگانی که در مشاغل وابسته با کشاورزی و وابسته با رشته تحصیلی دانشگاهی خود به کار گرفته شده بودند، از موفقیت تحصیلی بیشتری، در مقایسه با دانش‌آموختگانی که در مشاغل غیروابسته با کشاورزی و غیروابسته با رشته تحصیلی خود به کار اشتغال یافته‌اند، برخوردار بودند. موفقیت شغلی گروه اول را می‌توان، به موفقیت تحصیلی بیشتر آنها نسبت داد؛ زیرا چنانچه یافته‌های پژوهش نشان داد، همبستگی مثبت و معنی‌دار بین موفقیت تحصیلی و موفقیت شغلی وجود داشت. با توجه به یافته‌های اخیر، پیشنهاد می‌شود تا تصمیمات به شکلی اتخاذ شوند که دانش‌آموختگان کشاورزی در مشاغل وابسته با کشاورزی و وابسته با رشته تحصیلی خود به کار گرفته شوند.

چون فاصله محل سکونت خانواده دانشجویان از دانشکده، با موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان همبستگی منفی داشته است، می‌توان، یکی از محاسن جذب دانشجویان در دانشگاه‌های استان‌های همجوار (قطب بومی) را کمک به موفقیت تحصیلی، شغلی و تعهد سازمانی دانش‌آموختگان یاد کرد. بنابراین، این سیاست باید با جدیت و دقت بیشتر ادامه یابد.

میزان ارتباط دانشجویان با استادان در دوران دانشجویی، همبستگی مثبت و معنی‌دار با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان داشته است. بنابراین، باید رابطه دانشجویان با یکدیگر و با استادان دانشکده از راه‌های مختلف گسترش یابد. یکی از راه‌های گسترش رابطه بین دانشجویان، توسعه فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی و هنری در سطوح دانشکده و دانشگاه می‌باشد. راه دیگر، گسترش روابط اجتماعی دانشجویان، عضویت یا همکاری آن‌ها در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی است؛ زیرا همچنان که نتایج پژوهش نیز نشان داده است، بین میزان همکاری دانش‌آموختگان در دوره دانشجویی با تشکل‌ها و موفقیت تحصیلی، همبستگی مثبت وجود داشته است.

بین میزان مطلوبیت درس‌های اختصاصی کشاورزی، با موفقیت تحصیلی دانش‌آموختگان همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود داشت. با توجه به نتایج اخیر، مهمترین راهبرد برای افزایش موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته‌های

کشاورزی، ارتقاء مطلوبیت کمی و کیفی درس های اختصاصی کشاورزی می باشد. بنابراین، برنامه ریزان آموزشی نظام آموزش کشاورزی در سطح کلان و خرد، باید برنامه ریزی های آموزشی و درسی را به شکلی انجام دهند که روز به روز به توسعه کیفی درس های تخصصی دانشکده های کشاورزی بیانجامد.

یادداشت ها

- | | |
|---------------------------------|------------------------------------|
| 1. Wastage | 6. Pilot study |
| 2. Dropping-out | 7. Cronbach's alpha |
| 3. Rotters incomplete sentences | 8- SPSS |
| 4. Survey research | 9- Pearson correlation coefficient |
| 5. Stratified random sampling | |

منابع

الف: فارسی

- آناسازی، آن. (۱۳۷۱). تفاوت های فردی، ترجمه جواد طهوریان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اردبیلی، یوسف. (۱۳۷۴). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- احمدی، سید احمد. (۱۳۷۴). روانشناسی نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات مشعل.
- امین فر، مرتضی. (۱۳۶۵). *افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال دوم، پاییز و زمستان، ۷ و ۸، ۲۵-۷.
- بخشی، علی. (۱۳۶۹). *افت تحصیلی، علل و چگونگی جلوگیری از آن و ایجاد انگیزش تحصیلی*، در: چهارمین دوره مقاله نویسی علمی، جلد دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۸۶-۵۵.
- بخشی جهرمی، آرمان. (۱۳۷۵). *مقایسه انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر و پسر در رشته های کشاورزی، پروژه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، شیراز: دانشگاه شیراز*.
- پازوکی، علیرضا. (۱۳۷۱). *افت تحصیلی و عوامل مؤثر در آن، تکنولوژی آموزشی، ویراستار مرتضی مجدفر*، تهران: انتشارات انیس.
- پورکاظمی، محمدحسین. (۱۳۷۵). *عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی دانشجویان، خلاصه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۱۸۶.
- تاکی، رحمت الله و معتمدی، عبدالله. (۱۳۶۹). *جهت گیری آموزشی با انضمام روند آموزشی دوره راهنمایی تحصیلی استان اصفهان، چهارمین دوره مقاله نویسی علمی، جلد دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان*.
- حسینی، علی اکبر و رضویه، اصغر. (۱۳۵۰). *تحقیق در مسابقات ورودی دانشگاه و رابطه آن با امتحانات ششم متوسطه و موفقیت دانشگاهی، خرد و کوشش: فصلنامه دانشگاه شیراز، دوره دوم، دفتر پنجم*، ۲۶-۲۱.
- حسینی، علی اکبر. (۱۳۵۲ الف). *ارزش نمرات ششم متوسطه در پیش بینی موفقیت دانشگاه، خرد و کوشش: فصلنامه دانشگاه شیراز، دوره چهارم، دفتر دوم و سوم*، ۱۴۰-۱۲۰.
- حسینی، علی اکبر. (۱۳۵۲ ب). *مقایسه دو گروه از دانشجویان موفق و ناموفق در دانشگاه شیراز، مجله روانشناسی، سال سوم*، (۷)، ۱۰۸-۱۰۱.

- حسینی، علی اکبر. (۱۳۵۴). بررسی گزینش دانشجو در دانشگاه شیراز، خرد و کوشش: فصلنامه دانشگاه شیراز، گزارش تحقیقی شماره یک.
- خیر، محمد. (۱۳۶۵). رابطه شکست تحصیلی با زمینه‌ها و شرایط خانوادگی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره اول، (۲)، ۷۳-۸۵.
- خیر، محمد. (۱۳۶۶-۶۷). مقایسه گرایش های درسی و شغلی در دو گروه از دانش آموزان موفق و ناموفق در دوره ابتدایی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، (۲-۱)، ۱۲۸-۱۲۳.
- دلور، علی. (۱۳۷۵). تورم نمره و عوامل وابسته با آن در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، خلاصه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۹۰-۱۸۸.
- سازمان بازرسی آموزش عالی و پژوهش. (۱۳۵۰). مطالعه و بررسی نمرات دوره متوسطه و مسابقات ورودی داوطلبین ۱۳۴۹، جلد سوم، تهران: انتشارات مرکز محاسبات دانشگاه صنعتی.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۳). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)، تهران: انتشارات آگاه.
- صفوی، امان الله. (۱۳۶۵). افت تحصیلی در ایالات متحده و علل آن، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال دوم، ۸۷، ۴۳-۳۶.
- قاسمی، قاسم. (۱۳۷۳). زمینه مشاوره و راهنمایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلاب زاده، سید محمدعلی. (۱۳۶۹). پژوهش تحلیلی در زمینه افت تحصیلی، چهارمین دوره مقاله نویسی علمی، جلد دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۵۵-۱۴۳.
- لفرانسوا، گای آر. (۱۳۷۰). روانشناسی برای آموزش، ترجمه دکتر منیجه شهنی بیلاق، تهران: انتشارات رشد.
- لیندرگرن، هندی. (۱۳۷۴). روانشناسی موفقیت در تحصیلات دانشگاهی، ترجمه یوسف اردبیلی، تهران: انتشارات کویر.
- مجتهدی، زهرا. (۱۳۷۳). بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موفقیت در دانشگاه، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال دوم، شماره ۱، ۵، ۱۴۵-۱۲۳.
- محمدپور، محمدرضا. (۱۳۷۴). مقایسه بین دانشجویان دختر و پسر مراکز تربیت معلم استان خوزستان، پژوهشنامه آموزشی (فصلنامه خبری)، سال ششم، ۲۱ و ۲۲، ۵۷-۵۴.
- میخبر، مرضیه. (۱۳۶۹). افت تحصیلی، علل و چگونگی جلوگیری از آن و ایجاد انگیزش تحصیلی، چهارمین دوره مقاله نویسی علمی، جلد دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۳۳۳-۳۱۲.
- میرکمالی، سید محمد. (۱۳۷۲). تحلیلی بر توانمندی های دانش آموزان دانشگاه ها، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال اول، ۴، ۳۸-۱۳.
- نجاریان، بهمن؛ سلیمانپور، مهدی و لیالی، فاطمه. (۱۳۷۳). بررسی عملکرد تحصیلی دانشجویان شاهد دانشگاه های شهید چمران و علوم پزشکی اهواز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، (۱)، ۱۰، ۷۷-۵۷.
- یونسکو. (۱۳۶۹). تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش، ترجمه محمدعلی امیری، تهران: انتشارات مدرسه.

Agar, D. (1990). *Non-traditional Students: Perceptions of Problems which Influence Academic Success*, **Higher Education**, 19, 435-454.

Gabarkhani, H. (1978). *A Comparison between the Effects of Fathers' and Mothers' Education on the Academic Achievement of Children*, **Masters Thesis**, Shiraz: Shiraz University. (unpublished).

Garton, B. L., Dyer, J. E. & King, B. O. (2001). *Factors Associated with Academic Performance and Retention of College Agriculture Students*, **NACTA Journal**, 45 (1), 21-27.

Hoover, T. and Osmond, J. (1995). *Follow-up Study of Graduates from the College of Agriculture, University of Florida*, **European Journal of Agricultural Education and Extension**, 2 (2), 41-48.

King, L. O., & Kotrlik, J. W. (1995). *Relevance of the General Education Core Curriculum to Career Goal of College of Agriculture Students*, **Journal of Agricultural Education**, 36 (3), 26-33.

McGhee, M. B. and Cheek, J. G. (1990). *Assessment of the Preparation and Career Patterns of Agricultural Education Graduates, 1975-1985*, **Journal of Agricultural Education**, 31(2), 17-22.

Schmidt, S. L. et. al. (2002). *The Teaching College Course: A Faculty, Staff, and Graduate Student Development Program to Enhance Teaching Quality*, **NACTA Journal**, 46 (2), 18-27.